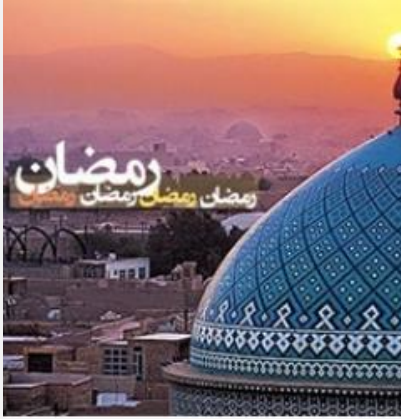


اقسام سه گانه روزه چیست؟

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: خدا روزه‌ای را دوست دارد که انسان متقی باشد و معنای متقی یعنی همین که تمام اعضا و جوارح او همیشه روزه باشند و من جمله در ماه مبارک رمضان.



چگونه در ماه رمضان از روزه و عبادت لذت ببریم؟

اقسام سه گانه روزه چیست؟

همشهری آنلاین: آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: خدا روزه‌ای را دوست دارد که انسان متقی باشد و معنای متقی یعنی همین که تمام اعضا و جوارح او همیشه روزه باشند و من جمله در ماه مبارک رمضان.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری جلسه اخیر درس اخلاق خود را به مناسبت ماه مبارک رمضان، به این ماه عزیز اختصاص داد که متن سخنان وی در پی می آید:

اول چیزی که باید متذکر شویم، اینست که اگر بتوانیم روزه بگیریم که آن روزه برای ما لذت‌بخش باشد، مقام خضوع در روزه باشد؛ این روزه ارزش زیادی پیدا می‌کند. علاوه بر عاقبت به‌خیری که برای خود و دیگران تهیه می‌کند، در عالم برزخ مقام بالایی و در قیامت مقام بالاتری و در بهشت مقام رضوان پیدا می‌کند و بهشت رضوان پیدا می‌کند. و این حالت گرچه کم پیدا می‌شود که یک شخصی از روزه لذت ببرد و روزه برای او از هر غذا و استراحتی و از هر چیزی لذت‌بخش‌تر باشد. کم است اما اگر پروردگار عالم بخواهد، عنایت می‌کند: «إِنَّ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةً عِنْدَ الْإِفْطَارِ وَ فَرْحَةً عِنْدَ لِقَاءِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ» [1]

موقع افطار یک شادی برای او هست و در عمق جان او یک شادی پیدا می‌شود. سحرش بهتر از افطار و افطارش بهتر از سحر است، و روزه برای او یک لذت مافوق لذت‌ها دارد. این حالت مربوط به روزه هم نیست، بلکه راجع به هر عبادتی هست. شما گاهی نماز می‌خوانید برای اینکه رفع تکلیف شود و این خوب است، گاهی نماز می‌خوانید و آدم متقی هم هستید و این خوب‌تر است و اما گاهی نماز می‌خوانید و نماز شما یک مکالمه با خدا و یک گفتگو با خداست و رسیده‌اید به مقامی که عمق جان شما درک می‌کند که خدا با شما صحبت می‌کند و شما با خدا صحبت می‌کنید، که این مکالمه برای بعضی، معاشقه می‌شود و معلوم است که بالاترین لذت‌ها برای او دل شب و قبل از اذان صبح است. بالاترین لذت‌ها برای او نماز است و لذا نمی‌خواهد از نماز بیرون رود و تا بشود نماز را طول دهد، طول می‌دهد برای اینکه صحبت کردن با خدا را می‌یابد. بعضی اوقات انسان می‌رسد به آنجا که خمس می‌دهد و جداً می‌یابد که به خدا پول می‌دهد و این لذت دارد و اما لذت بالاتر اینکه خدا این پول را قبول می‌کند و روی آن آفرین می‌گوید. خرج کردن این پول خیلی لذت دارد و از نظر معنویت بالاترین لذات اینست و نمی‌شود مقایسه کرد این لذت را با لذات مادی. که ائمه طاهرین و پیغمبر اکرم «ص» این لذت را گوشزد کرده‌اند: «لَرَكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» [2]

نمی‌شود گفت کلام پیغمبر و کلام ائمه طاهرین اغراق است و یعنی العیاذبالله واقعیت ندارد و اگر کسی اینطور فکر کند، کفر است. پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: دو رکعت نماز شب برای من از دنیا و آنچه در دنیا است، بهتر است. امام صادق «ع» نیز همین را می‌فرماید، یعنی ارزش دو رکعت نماز شب از دنیا و آنچه در دنیا است، در نزد اهل بیت «ع» بالاتر است. انسان بتواند ولو در مرتبه ضعیفش خوشحال باشد که ماه مبارک رمضان آمده و این کم پیدا می‌شود. مخصوصاً با این وضع اقتصادی و روزه‌های بلند و لااقل 18 ساعت روزه گرفتن، مشکل است؛ اما هستند افرادی که به راستی خوشحالند از اینکه ماه مبارک رمضان آمده است و از سحری خوردن لذت می‌برند. ولو سحری خوردنش یک لقمه نان باشد، اما چون سحری است، یک لذت خاصی دارد. افطارش ولو از نظر مادی ارزشی ندارد اما این لقمه با گفتن «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ» [3]،

خدا دنیا و آنچه در دنیا است به او داده است. مثل اینکه دنیا و آنچه در دنیا است به او داده با این روزه‌ای که گرفته است. لذا من از همه شما تقاضا دارم کاری کنید که این چند روز این حالت برای شما پیدا شود. البته مشکل است و به افراد خاص می‌دهند و به همه نمی‌دهند، اما شما جداً از خدا بخواهید این حالت برای شما پیدا شود. البته آوردنی نیست که شما بتوانید بیاورید، بلکه خدا باید این‌گونه چیزها را عنایت کند و خدا باید مقام خضوع را به انسان بدهد و خدا باید انسان را برساند به اینجا که حضرت ابراهیم (ع) فقط یک بچه به‌دردبخور به نام حضرت اسماعیل دارد و جوانی شده است. خدا به حضرت ابراهیم خطاب کرد که

باید این خانه خدا را خراب کنی و بسازی و بتا تو و عمله حضرت اسماعیل باشد. معلوم است با لذت فوق العاده‌ای و البته با خرق عادت، خانه ساخته شد. فرمود یک حجی هم به جا بیاور. حضرت ابراهیم حج را به جا آورد. بعد موقع قربانی خطاب شد که این اسماعیل قربانی توست و او را ذبح کن. حضرت ابراهیم با مقام نشاطی او را به قربانگاه آورد و بالاخره از امتحان بیرون آمد و نمره بیست آورد و لذتی که حضرت ابراهیم برده است و لذتی که حضرت اسماعیل برده است که این دو از اولیای الهی بودند و اما لذتی که مادر حضرت اسماعیل برده است و این لذتها کم پیدا می‌شود و خدا باید عنایت کند و خطاب شود که: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» [4]

به این می‌گویند مقام تسلیم و رضا در عبادات. مقام تسلیم و رضا گاهی در مقدرات است و بحث دیگری دارد و گاهی مقام تسلیم و رضا راجع به عبادات است. اگر نماز برای شما سنگین باشد، بدانید که مبعوض خدا هستی و قرآن می‌فرماید نماز برای بنده‌ها سنگین است مگر اینکه مقام خضوع داشته باشند. همچنین روزه و خمس نیز همین است. اگر این مقام لذت از عبادت و صددرصد تسلیم در مقام اوامر و نواهی خدا برای کسی باشد، باید بگوییم بالاترین چیزها را دارد. به قول پیغمبر اکرم و امام صادق (ع)، دو رکعت نمازش، «أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الذَّنْبِ وَ مَا فِيهَا» چه رسد به ماه رمضان و اصلاً سختی آن را درک نمی‌کند و هوا و گرما را درک نمی‌کند؛ بلکه آنچه درک می‌کند و می‌یابد، اینست که تسلیم خداست و از عبادت خدا لذت می‌برد و آن لذت همه صدمات و مشقات را از بین می‌برد و اصلاً درک مشقت و گرما و سرما و بی‌خوابی و درک خستگی نمی‌کند. آنچه درک می‌کند مقام معنویت است و مقامی که توانسته آنچه خدا گفته است، عمل کند. و در آخر کار به مقام‌های بالایی می‌رسد.

هفته گذشته می‌گفتم معلوم است که در ماه مبارک رمضان خدا به همه عیدی می‌دهد و به همه روزه‌داران عیدی می‌دهد. گاهی استجاب دعاست و گاهی عاقبت بخیری و گاهی رفع بلاها و رفع گرفتاری‌هاست و گاهی آخرت و آن مقام‌های بالاست و اما گاهی هم عیدی در روز عید فطر، خدا و حکومت خدا بر دل است: «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزِي بِهِ» [5]

اگر به راستی بتوانید این یک ماه رمضان از عبادت لذت ببرید. یعنی روزه برای شما لذت‌بخش باشد و نماز شب و نماز اول وقت و نماز با جماعت و نماز در مسجد و نشستن پای منبر برای شما لذت‌بخش باشد، آنگاه روز عید فطر، عیدی دارید و عیدی خدا و حکومت خدا بر دل است و می‌یابید خدا را، نظیر آدم تشنه‌ای که آب بخورد و سیرابی را می‌یابد و اینست که در حد اولیا الله است و شیطان جرئت ندارد نزدیک او برود: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» ؛ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ» [6]

یعنی شیطان نمی‌تواند و جرئت ندارد که جلو بیاورد. اگر شیطان برای بعضی جسور است، تقصیر انسان‌هاست که زیر پرچم او می‌روند و الا اگر انسان زیر پرچم خدا رود و جداً خدا را داشته باشد، شیطان حق ندارد و در آیات فراوانی شیطان به خدا تشرّ زده است. در وقتی رانده درگاه خدا شد، هفت هشت مرتبه به خدا تشرّ زد و یکی از تشرهایش همین بود که گفت بنده‌هایت را گمراه می‌کنم اما «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»، یعنی من به افرادی که تو انتخاب کردی، یعنی افرادی که تو بر دل آنها حکومت داری، دسترسی ندارم و جرئت ندارم نزدیک آنها بروم. شما در ماه مبارک رمضان می‌توانید برسید به آنجا که همین را از خدا عیدی بگیرید که شیطان دسترسی به شما نداشته باشد: «قَالَ فِعْرَتَكَ لَأُعْوِيَتَهُمْ أَجْمَعِينَ» ؛ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» [7]

این آیه در قرآن چندین مرتبه تکرار شده است و معنایش این نیست که من مخلصین را دوست دارم و لذا کاری با آنها ندارم، بلکه معنایش اینست که من بنده‌هایت را گمراه می‌کنم، مگر کسانی که از تو باشند و تو بر دل آنها حکومت پیدا کرده باشی و پاداش عبادتشان خود تو شده باشی و وقتی حکومت تو بر دل باشد، من جرئت ندارم نزدیک آنها روم و در خانه و زندگی آنها دخالت کنم. باید تجربه کرد که چطور به دست آورد و توجه داشت که خدا باید عنایت کند. نظیر حضور قلب را خدا باید بدهد. لذت از عبادت را خدا باید بدهد، البته ما باید زمینه را فراهم کنیم و خدا عنایت می‌کند. وقتی خدا عنایت کرد، می‌یابیم که چه لذت خوبی برای ما پیدا شده است و می‌یابیم که به مقام عبودیت رسیدیم و می‌یابیم که خدا ما را قبول کرده است. می‌یابیم که مقام رضا و تسلیم در عبادت یعنی چه. می‌یابیم که همه لذتها در مقابل این لذت پوچ است.

حتی اگر با این مقامی که گفتم به بهشت روید، می‌یابید که بهشت در مقابل لذتی که دارید، هیچ است و بهشت با آن همه مقام و نعمت‌ها در مقابل این نعمتی که خدا عنایت کرده است، بی ارزش است و چیزی نیست. این چیزهایی که عرض می‌کنم روایت دارد و از قرآن استفاده می‌شود. بنابراین روزه ماه مبارک رمضان به این اعتبار، منقسم می‌شود به سه قسم: یک روزه رفع تکلیف که خوب است و بالاخره همه شما روزه می‌گیرید و اگر العیاذ بالله مریض باشید و نتوانید روزه بگیرید، ناراحت می‌شوید. یک روزه هم اینکه شما آدم خوبی هستید و خدا روزه شما را قبول می‌کند و اما یک روزه دیگر هست که خدا روی آن آفرین می‌گوید. آن روزه‌ای است که در وقتی می‌خواهد افطار کند یک شادی خاصی برای او پیدا می‌شود و از روزه‌ای که گرفته لذت می‌برد. در حین روزه تشنه و خسته است و اما همه اینها در مقابل آن لذت، پوچ است و اصلاً تشنگی و خستگی را نمی‌یابد بلکه آنچه می‌یابد، لذت بردن از عبادت است. می‌توانید جداً از خدا این را بگیرید و یکی از دعاهایتان موقع افطار همین باشد که خدایا! لذت عبادت را به من بده به طوری که عبادت برایم سنگین نباشد و قرآن می‌فرماید: «...وَ إِنِّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى

عبادت مخصوصاً نماز برای همه سنگین است مگر اینکه به حالت خضوع رسیده باشد. یعنی رسیده باشد به جایی که خدا یک نعمت به او داده باشد و آن لذت بردن از عبادت باشد و لذت بردن از اجتناب از گناه باشد.

ما نمی‌توانیم درک کنیم که حضرت یوسف (ع) در وقتی که پیروز شد، چه لذتی برایش پیدا شد. در موقعی که توانست از گناه فرار کند، لذتی که آن موقع برای حضرت یوسف پیدا شد، از دنیا و آنچه در دنیا بلکه از آخرت و آنچه در آخرت است، بالاتر و مهم تر بود. ماه مبارک رمضان برای همین است که انسان در این یک ماه اجتناب از گناه ملکه او شود و کم کم برسد به آنجا که اجتناب از گناه بالاترین لذت برای او باشد.

نکته دیگر اینکه روزه منقسم می‌شود به سه قسم: یک روزه عام، یعنی عموم مردم روزه می‌گیرند و این روزه عام طبق رساله‌های عملیه است و به این روزه عوام یا عام می‌گویند یعنی عموم مردم اینطور روزه می‌گیرند و شکم آنها روزه است.

روزه دیگر مقداری بالاتر از اینست و علاوه بر اینکه شکم روزه است، آن مفطراتی که در رساله گفته شده و اجتناب شده، اعضا و جوارح هم روزه هستند. یعنی چشم و گوش روزه است و زبان روزه است. دروغ و غیبت و تهمت و شایعه پراکنی ندارد و ترانه نمی‌شنود و بالاخره گوش او مثل شکم او روزه است. زبان او هم مثل شکم او روزه است. به این روزه خواص می‌گویند. معنای روزه خواص اینست که اگر فقط شکم روزه باشد، روزه صحیح است و تارک الصوم نیستیم و اما خدا این روزه را قبول نمی‌کند. از همین جهت روایات فراوانی داریم که اگر کسی در ماه رمضان دروغ بگوید، روزه‌اش باطل است. معنایش این نیست که چیزی خورده، بلکه روزه درست است و کفاره هم ندارد، اما خدا قبول نمی‌کند و خدا این روزه را دوست ندارد: «... إِمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنْ الْمُتَّقِينَ» [9]

خدا روزه‌ای را دوست دارد که انسان متقی باشد و معنای متقی یعنی همین که تمام اعضا و جوارح او همیشه روزه باشند و من جمله در ماه مبارک رمضان.

لذا تقاضا دارم همینطور که مواظب هستید که کم و زیاد نشود و تمام گفته‌های رساله عمل شود، تقاضا دارم تمام گفته‌های علمای اخلاق هم عمل شود. چشم و گوش و زبان شما روزه باشد.

قسم دیگری هم هست و مثل همین لذت در عبادت است و به همه نمی‌دهند و اما شما می‌توانید از خدا بگیری و آن اینکه دل هم روزه باشد. افکار بیهوده در دل نیاید، ولو اینکه افکار بیهوده و گناه هم نباشد، و انسان بتواند در ماه مبارک رمضان فکری جز خدا نداشته باشد و ذکری جز خدا نداشته باشد و یادی جز خدا نداشته باشد، آنگاه هم روزه عوام یعنی روزه فقهی و مرجع تقلید را گرفته و هم روزه علمای علم اخلاق را گرفته یعنی روزه متقین را و هم روزه عرفانی گرفته است و این مهم است.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: خدایا! من عبادت نمی‌کنم برای اینکه بهشت روم و به جهنم نروم، بلکه به مقام عبودیت و لذت از عبادت برسم: «وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» [10]

حضرت امام «ره» می‌فرمودند که بالاتر از اینها هم برای امیرالمؤمنین (ع) هست که اینجا نفرموده است و آن اینست که انسان برسد به جایی که خدا روزه او را قبول کند و روی آن یک آفرین هم بگوید. انسان برسد به آنجا که آخر ماه رمضان عیدی بگیرد خدا را از خدا. می‌رسد به آنجا که روزه او روزه اخص‌الخواص است یعنی هم شکم او و هم اعضا و جوارح او و هم دل او روزه است. اگر بخواهید می‌شود و اما معلوم است که مشکل است و ما هم به این دنیا آمديم که مشکل‌ها را تحمل کنیم برای اینکه به مقام لقا و فنا برسیم.

پی نوشت‌ها:

[1]. ر.ک: الکافی، ج 4، ص 65: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ»

[2]. علل الشرائع، ج 2، ص 363.

[3]. اقبال الاعمال، ج 1، ص 117.

[4]. بقره، 131؛ «هنگامی که پروردگارش به او فرمود: «تسلیم شو»، گفت: «به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.»

[5]. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 75.

[6]. نحل، 99 و 100؛ «چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی نیست؛ تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند، و بر کسانی که آنها به او [=خدا] شرک می‌ورزند.»

- [7]. ص، 82 و 83: « [شیطان] گفت: «پس به عزّت تو سوگند که همگی را جدّاً از راه به در می‌برم، مگر آن بندگان پاکدل تو را.»»
- [8]. البقرة، 45: «...و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان.»
- [9]. المائدة، 27: «...خدا فقط از تقواییشان می‌پذیرد.»
- [10]. عوالی اللّالی، ج 1، ص 404.